

وقتی انقد براش خوردم که سیر شد بلندم کرد و شلوارمو کشید پایین و دستی بهم کشید و گفت:

_همیشه امدست برام؟

با ناز نگاهش کردم که چکی روی صورتم زد:

_خودت امدش کردی عشقم.

صاف نگه داشت:

_بشین روش خوشگلم.

با عشوه قوسی به کمرم دادم و پاهامو باز کردم و دو طرف پاهاش و نشستم روش.

صدای خدمتکار و شنیدم و سریع ساکت شدم و شاهرخم حرفی نزد و خواستم بلند شم که بزور نگهم داشت.

اون زیر خودشو یواش تکون می داد ومن نمیدونستم ناله کنم یا حواسم و بدم پی صدا زدناى خدمتکاره.

_اقا؟ اقا؟ اینجایی؟ اقا اگه اینجایی بیاین اقا شهید کارتون دارن! ای بابا پس کجا رفتن.

اب دهنمو قورت دادم و اروم گفتم:
_بزار برم.

چپ چپ نگاهم کرد: حرف نزن فقط لذت ببر.

_من میترسم ببینه شاهرخ ولم کن دیوونه.

_بشین دختر چپو ببینه اون جرئت نداره بیاد اینجا.

یهو کمرم و محکم‌نگه داشت با ترس خواستم بلند شم اما با زور نگهم داشت و ناله‌ی
ارومی کرد.

نفسام از لذت مقطع شد و از هیجان داشتم میلرزیدم و سعی میکردم آه و نالمو خفه
کنم.

خدمتکاره با ترس گفت:

_خو اقا اگه نیستی بگو دیگه.

از حرفش خندم گرفت و لب‌گزیدم که ادامه داد:

_من برم تا نیومد پدرم و در بیاره ماشالله اخلاقشم که عین... لاله الله.

نمیدونستم بخندم یا گریه کنم با حس نشستن دستش رو تکون خوردن شدیدش
ناله‌ای کردم.

نفس نفس میزدیم و لش شدم روی تنش و گفتم:

_کوفتت نشه شاهی.

با خنده ی بیحال و نفس نفس گفت:

_چرا توله؟ دوس نداشی مگه؟

_اگه خدمتکاره میومد چی؟

با بیخیالی بوسه ای روی سرم کاشت و شلوارم و کشید بالا و گفت:

_غلط میکرد، الان همین اندازه هم اومد توی این منطقه باهاتش کار دارم.



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها

